

متن پیاده سازی شده جلسه هشتاد و چهارم سال چهارم درس خارج فقه القضا 31 اردیبهشت ماه 1401

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست افتراقی (واگرایی) اسلام بین دعاوی مدنی و کیفری، قاعده درأ، شرائط شاهد و چهارم: قسامه

قسامه را از دو منظر نگاه کنیم؛ اول: بررسی قاعده و این که الان مورد شبهه واقع شده که قسامه برای گذشته بوده است و اکنون کارایی ندارد، دوم: سیاست افتراقی بحث ما نحن و فیه.

قسامه از مصادیق بارز سیاست افتراقی (واگرایی) است به این معنا که در دعاوی مدنی قسامه نداریم ولی در کیفری قسامه فی الجمله جاری است.

اگر شخصی کتاب قصاص را بحث نماید راه های قتل و جرح را مورد نظر قرار بدهد یکی از آن‌ها قسامه است ولی اکنون به مقدار سیاست افتراقی فقط به بحث از این نهاد می‌پردازیم. بررسی قسامه در لغت - که بواسطه لغت آشنا به عرف آن زمان می‌شویم -، فقه، قانون و در نهایت ادله شرعی آن که قطعاً قرآن و روایات است.

اما لغت: فیومی (مصباح المنیر) قَسَمَ هَائِي که تقسیم شود بر اولیای مقتول که ادعای خون نموده‌اند به این معنا که فلانی به

قصاص کشته شده است و قوم و خویش خود را فلانی کشته البته به همراه دلیل - یعنی اماره یا همان لوث؛ چون فیومی

متخصص لغت است نه فقه - نه بینه، 50 نفر در قتل عمد سوگند می‌خورند و در غیر عمد 25 نفر؛ این قسم خورندگان را قسامه گویند.

توضیح استاد محترم: به این نحو که شخصی متهم به قتل است ولی هیچ دلیل محکمه پسندی (عدم دلیل قضایی) وجود ندارد ولی اماره ظن آور موجود است به نام لوث یعنی مقتول و متهم به قتل را شب قتل دیده‌اند یا سابقه دشمنی دیرینه دارند یا در خانه‌ی مقتول شخص متهم دیده شده است و اولیای مقتول ادعای قاتل بودن متهم را می‌کنند البته بدون دلیل غیر از لوث و قسامه.

با این که اولیای مقتول مدعی هستند ولی دادگاه به آن‌ها می‌گوید: قسم بخورید خلاف دعاوی مدنی که منکر قسم می‌خورد، پنجاه نفر مرد از بستگان مقتول در دادگاه باید حاضر بشوند از دوستان و اساتید کفایت نمی‌کند.

مشکل معنای فیومی با تمامی ایستاده بر قله بودن او این است که اول قسامه را بر قَسَمَهَا معنا و بعد بر قسم به نوع خاص معنا (50 نفر از خویشان) نمود و در نهایت گفت به این عمل قسامه گویند.

حال به هر کدام قسامه یا مجموع آن‌ها را قسامه گویند؟ استاد محترم: به هر کدام آن‌ها قسامه گویند.

این اثیر: مانند فیومی فقط توضیح بیشتر دارد؛ قسامه به فتح یعنی قسم و حقیقت آن این است که شخصی بین قومش بمیرد و

قاتل آن مشخص نشود مگر این که در خانه متهم او را ببینند (این همان لوث است که بعداً بررسی می‌کنیم) و بعد 50 نفر قَسَم

می‌خورند که متهم قاتل است و اگر این تعداد نشدند موجودین به اندازه عدد 50 قسم بخورند البته بچه یعنی غیر بالغ، مجنون، زن

و عبد نباید بین این‌ها باشد. قسامه فقط برای شاکی - خواهان به عبارت حقوقی امروزه - نیست بلکه گاه برای متشاکی - خوانده

به عبارت حقوقی امروزه - نیز جاری می‌شود البته اگر خواهان و شاکی قسامه را رد کنند به طرف متهم و خوانده. در پایان ابن

اثیر گوید: أقسم یقسم قسماً یعنی یکی از معانی قسامه قسم است.

قسامه دو قسم است؛ اول: قسامه برای نفس و قتل، دوم: برخی قائل هستند که قسامه بر قطع عضو و جرح نیز وارد است.

نکته مهم: افرادی که قسم می‌خورند در قسامه مدعی مشاهده صحنه قتل نیستند بلکه یقیناً قاتل به کشته شدن مقتول به دست

متهم هستند و نیازی نیست قاضی بپرسد از کجا یقین دارید ولی لوث بدست قاضی هست.